

بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی^۱

محمد نوریان نجف^۲

چکیده

شکل‌گیری مشارکت دانشجویان در نهادها و تشکلهای دانشجویی تحت تأثیر عوامل متعددی است. بر این اساس مقاله حاضر با هدف تعیین میزان مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد، در نظر دارد، تأثیر اعتماد اجتماعی را بر مشارکت اجتماعی بررسی نماید.

روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه یزد است که تعداد آنها ۹۹۶۵ نفر بوده است که از این تعداد، ۱۳۴ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار مطالعه پرسشنامه بوده و از آزمون‌های آماری، تفاوت میانگین (t-test)، آزمون فیشر (F)، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

یافته‌ها مبین آن است که بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که اگر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان افزوده شود، در این صورت سطح مشارکت اجتماعی آنان نیز ارتقا خواهد یافت. همچنین بین مشارکت اجتماعی و جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما بین مشارکت اجتماعی و رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین، متغیرهای مستقل سن، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به محیط مجموعاً ۲۱/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را تبیین می‌نمایند. بقیه تغییرات به تأثیر سایر متغیرها مربوط بوده که در تحقیق حاضر مدنظر نبوده‌اند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به محیط، اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی.

۱- Email:a_zare@yazduni.ac.ir

۱- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه یزد.

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

مقدمه

مفاهیم اعتماد اجتماعی^۱ و مشارکت اجتماعی^۲ از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی هستند. اعتماد اجتماعی اولین جزء سرمایه اجتماعی^۳ است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. تأکید بر اعتماد در مقایسه با دیگر انواع ارتباط، در ادبیات سرمایه اجتماعی نقش برجسته‌ای دارد (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵). هر دو مفهوم (اعتماد و مشارکت) از آغاز در طرح مباحث جامعه‌شناسی، اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران کلاسیک جامعه‌شناسی را به خود معطوف داشته‌است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۴). افزایش یا قدرت سرمایه اجتماعی تا حدود زیادی متأثر از وضعیت اعتماد و مشارکت مردم در گروه‌های داوطلبانه است (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۲). منظور از اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۸۰). به عبارتی دیگر اعتماد، شاخصی از سرمایه اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک، تسهیل می‌کند (کوک^۴، ۲۰۰۱). همچنین اعتماد اجتماعی عبارت از قابلیت تشخیص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگران است (گیدنز، ۱۹۹۲: ۳۳-۳۴). از طرف دیگر، می‌توان مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نمود. فرآیندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که به سهمی شدن آنها در منابع اجتماعی منجر می‌شود، شرکت می‌کنند. نمود عینی چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و ... هستند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۸). از حیث مفهومی، واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرآیند درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست (علوی‌تبار، ۱۳۷۰: ۱۵).

1- social Trust
 2- social participation
 3- social capital
 4- Cook

امروزه بیشترین توافق در این زمینه وجود دارد که اعتماد مولفه‌ای ضروری در همه انواع روابط اجتماعی است. می‌توان گفت که اعتماد نتیجه بر هم‌کنش‌های اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. از این رو اعتماد را می‌توان یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه مدنی از جمله مشارکت، دارای همبستگی است. مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در سازمان غیردولتی و انجمن‌های داوطلبانه، از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا، زمینه مناسب‌تری برای تحقق پیدا کنند. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود که موجب پایین آمدن هزینه بر هم‌کنش‌های اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مرتبط با آن می‌شود (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

در دوران جدید، مراکز آموزشی بویژه محیط‌های دانشگاهی از بسترهایی تلقی می‌شوند که می‌توانند زمینه مناسبی را برای مشارکت در فضای عمومی فراهم آورند. در این راستا شناسایی عوامل و زمینه‌هایی که به تقویت مشارکت اجتماعی دانشجویان می‌انجامد، توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی به‌خصوص در شاخه جامعه‌شناسی را به خود جلب کرده است. با این توضیح که در جامعه ایران اگر چه فعالیت‌های مشارکتی در قالب تشکل‌ها و نهادهای دانشگاهی دارای سابقه قابل توجه است و نتایج موثری در جامعه داشته است، لیکن کمتر مطالعه و بررسی دقیق شده است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۹).

با توجه به مباحث گذشته و اهمیت اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی، در این مقاله کوشش شده است ضمن شناخت میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان پرداخته شود.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

سیپل^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین سرمایه اجتماعی و ورزش» نشان داد،

1- Seippel

افرادی که در سازمان‌های ورزشی به طور داوطلبانه مشارکت دارند از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند و بیشتر پیگیر مسائل سیاسی و مدنی جامعه خود هستند.

رایستر و همکاران^۱ (۲۰۰۱) تحقیقی با عنوان «رابطه بین اعتماد تعمیم‌یافته با رشد اقتصادی» انجام دادند که به این نتیجه رسیدند، هرچه اعتماد تعمیم یافته بیشتر باشد مشارکت مدنی هم بیشتر می‌شود و هم اعتماد و هم مشارکت بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند.

کاستا و کان (۲۰۰۱)، اتکینسون^۲ و میکِل رایت (۱۹۹۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین ناک و کیفِر^۳ ۱۹۹۷ در تحقیقی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی دارای فواید اقتصادی است؟» در صدد پاسخ به این سوال بودند که آیا بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی و عملکردهای اقتصادی رابطه است یا نه؟ که به این نتیجه رسیدند بین هر سه رابطه معناداری وجود دارد و هر چه اعتماد وجود داشته باشد مشارکت‌های مدنی و همکاری‌های مدنی زیاد و سبب می‌شود که عملکردهای اقتصادی در جامعه بهتر رشد کنند.

انعام (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاهای نمونه شهرستان شهریار» انجام داد به این نتیجه رسید که بین اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

دهقان و غفاری (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران» معتقدند که به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی، غالب بودن جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه، آینده‌گرایی، موقعیت کنترل و نیز فقدان بیگانگی اجتماعی در فرد، موجب آمادگی بیشتر در بروز رفتارهای مشارکتی است. این ویژگی‌ها همراه با متغیر اعتماد اجتماعی، زمینه‌ساز میزان مشارکت و چگونگی آن در نهادها و تشکل‌های دانشجویی می‌شوند. بر اساس یافته‌های این مقاله هر چند که بیشتر متغیرهای

1- Raiser, et.al

2- Costa and Kahn, Atkinso and micklewright

3- Knack and keefr

مورد بررسی با مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان رابطه معناداری را نشان می‌دهند، لیکن در مجموع توان تبیین آنها در واریانس متغیر وابسته تحقیق در سطح بالایی قرار ندارد. به نظر می‌رسد عوامل فرا فردی و کلان خارج از مجموعه نهاد دانشگاه باید تأثیر قابل ملاحظه‌ای در میزان و چگونگی مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان داشته باشند.

علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران» به این نتیجه دست یافتند که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن (فردی، تعمیم یافته و نهادی) و مشارکت اجتماعی سازمان یافته، رابطه معنادار وجود دارد. هر چند که میزان و جهت تأثیرگذاری این رابطه در هر مورد متفاوت است. همچنین رگرسیون چندمتغیری نشان داد که از میان متغیرهای مورد بررسی اعتماد تعمیم یافته و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی‌اند.

ازکیا و حسنی‌راد (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی» به این نتیجه دست یافتند که اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و میزان تحصیلات، بیشترین تأثیر مستقیم در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی دارد.

حیدرآبادی (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر آن» به این نتیجه دست یافت که میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی رابطه منفی و معکوسی با میزان اعتماد اجتماعی داشته است. همچنین نتایج بیانگر آن است که میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر و بالاتر از سایر گونه‌های اعتماد (اعتماد تعمیم یافته و انتزاعی) است. همچنین اعتماد درون‌گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون‌گروهی است.

سفیری و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «مشارکت دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» به این نتیجه دست یافتند که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی)، احساس بی‌قدرتی

و خودپنداره با مشارکت اجتماعی، رابطه معنادار وجود دارد و بیشترین تأثیر را متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دارد.

نتایج تحقیق قریشی و صداقت (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان شهر تبریز» نشان داد که بین متغیرهای سطح شهروندی، نگرش دینی، مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، فقر فرهنگی، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، سن و شغل با اعتماد اجتماعی رابطه همبستگی معنادار وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق

نظریه سرمایه اجتماعی تحلیل خود را بر ویژگی‌های کلان اجتماعی متمرکز می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی در افراد انگیزشی ایجاد می‌کند که عامل مشارکت و توسعه جامعه می‌شود. بنابراین وجود سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه پیوندها) در افراد سبب مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۷).

اعتماد یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام^۱ است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و حاصل پیش‌بینی رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰). پاتنام در بحث اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم یافته نامیده می‌شود را، برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر وی این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده را در سطح جامعه موجب می‌گردد (همان: ۱۳۶). پاتنام افزایش مشارکت مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از ساز و کارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته

1- putnam

معرفی می‌کند. از نظر پاتنام اعتماد اجتماعی به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز به شمار می‌رود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

پاتنام، اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. از نظر وی، اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می‌کند. به این ترتیب هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر در جامعه استفاده شود به جای اینکه در جامعه استهلاک و کاهش یابد، بیشتر خواهد شد. وی اضافه می‌کند، نبود این ویژگی‌ها در برخی از جوامع، عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود را به دنبال خواهد آورد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲). «شبکه‌های مشارکت مدنی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند. این هنجارها، شبکه‌های ارتباطی را که به کسب حسن شهرت و وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتاری جامعه محلی متکی است تقویت می‌گرداند. شبکه‌های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می‌بخشند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

در ادامه پاتنام در مورد تأثیر روابط اجتماعی در اشکال رسمی و غیررسمی‌اش بر میزان اعتماد اجتماعی افراد معتقد است: «این واقعیتی صحیح است که اعضای انجمن‌ها از افراد مشابه خود، که عضو هیچ انجمن یا سازمانی نیستند، مشارکت سیاسی بالاتری دارند؛ زمان بیشتری را با همسایه‌های خود سر می‌کنند و از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. همبستگی نزدیک بین اعتماد اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها به افراد خاص و موقعیت‌های زمانی ویژه مربوط نمی‌شود، بلکه همه کشورها را شامل می‌شود» (بالاخانی، ۱۳۸۴: ۵۱). همچنین پاتنام مانند دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی و تعاملات آنان را با یکدیگر بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی، یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد (پاتنام و

گوس^۱، ۲۰۰۲: ۶). همچنین پاتنام معتقد است که تلویزیون با اختصاص دادن اوقات فراغت افراد به خود، عملاً مشارکت اجتماعی و ارتباطات اجتماعی آنان را کاهش می‌دهد و از آنجا که از نظر او بین میزان مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی رابطه متقابل وجود دارد استدلال می‌کند که با کاهش میزان مشارکت مدنی از میزان اعتماد اجتماعی افراد نیز کاسته می‌شود (شاه^۲، ۱۹۹۸: ۴۳).

در ضمن پاتنام در مورد راه‌های افزایش اعتماد می‌گوید: «شبکه‌های مشارکت مدنی همکاری و ارتباط را نیز تسهیل و اطلاعات موجود درباره اعتمادپذیری افراد دیگر را تقویت می‌کند. وقتی معاملات اقتصادی و سیاسی در شبکه‌های متراکم تعامل اجتماعی صورت می‌پذیرد، انگیزه فرصت‌طلبی و قانون‌شکنی کاهش می‌یابد و پیوندهای اجتماعی متراکم و دیگر راه‌های ارزشمند کسب شهرت را که از بنیان‌های ضروری اعتماد در جوامع پیچیده است تسهیل می‌کند» (کلمن^۳، ۱۳۸۴: ۹۹-۹۸).

در پایان پاتنام در مورد رابطه مشارکت و اعتماد به یک رابطه خطی معتقد نیست، بلکه به رابطه متقابل این عوامل توجه دارد. «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز، متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری‌جویانه کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز، به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی، به رفاه اقتصادی-اجتماعی کمک می‌نمایند و به نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

مطابق زمینه‌های نظری موضوع، مشارکت اجتماعی یکی از عوامل اثرگذار در اعتماد اجتماعی است. مشارکت چنانچه بر پایه و مبنای صحیح پایه‌گذاری شود، نتایج مثبت زیادی به دنبال دارد که از جمله آنها افزایش اعتماد مردم به یکدیگر است (کلته، ۱۳۸۱: ۲۵۷). همچنین گامبتا^۴ معتقد است که «هرچه اعتماد بیشتر باشد همکاری نیز بیشتر خواهد بود.

1- Putnam and Goss

2- Shash

3- Coleman

4- Gambetta

بسته به این که شرایط برقراری روابط اعتمادآمیز فراهم باشد. یعنی از طریق عاملان در ادامه همکاری و یا در عدم ادامه همکاری اختیار و آزادی عمل داشته باشند و نیز در همان روابط فوق با آزادی عمل روبرو باشند که این روابط را شکل دهند، حفظ و یا از آنها اجتناب کنند (گامبتا، ۲۰۰۰: ۲۲۰). همچنین افزایش مشارکت اجتماعی در باز تولید و ارتقای اعتماد اجتماعی تعمیم یافته در قالب گسترش - صداقت، حسن نیت، وظیفه شناسی، وفای به عهد، ثبات در اندیشه و عمل خواهد بود. به تعبیری دیگر با تقویت اجتماع اخلاقی و تعهد عملی به التزامهای اخلاقی در سطوح بین فردی، بین فرد و نهادها و نیز بین نهادها، فرایند اعتماد اجتماعی در سطوح اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و نیز اعتماد اجتماعی نسبت به نهادهای اجتماعی و مأمورانی که متولی و عامل در این نهادها هستند، قوت لازم را کسب خواهد کرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۲۸). همچنین دورکیم بر اساس نظریه مناسک، معتقد است: «افراد در غلیان ناشی از اعیاد و جشن‌های اجتماعی از طریق اعمال مشترک و کردارهایی همانند پای کوبی و غریوکشی به هم نزدیک می‌شوند و نوعی همدلی با هم پیدا می‌کنند و این همدلی و نزدیکی، اطمینان و اعتماد متقابل را ایجاد می‌کند» (بهزاد، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۲).

در ادامه می‌توان اذعان داشت که بین اعتماد و مشارکت در گروه‌ها و تشکلهای داوطلبانه و مدنی، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. از یک دیدگاه، چنان که گفته شد، اعتماد سبب‌ساز شکل‌گیری گروه‌ها و ترغیب‌کننده افراد به همکاری سازمان‌دهی شده با یکدیگر در قالب انجمن‌هاست و از دیدگاهی دیگر فعالیت‌های داوطلبانه افراد در تشکلهای باعث رشد و تقویت اعتماد میان آنان است (زارعی، ۱۳۸۷: ۷۰). همچنین دانشمندی همچون توکویل، دورکیم، زیمل و کولی معتقدند که: «بسیاری از منافع و آگاهی‌های اجتماعی از عضویت و مشارکت در گروه‌ها و بخصوص خانواده حاصل می‌شود، از این رو خانواده، مدرسه و محیط‌های شغلی احتمالاً فضاهای مهم‌تری برای ایجاد اعتماد هستند» (سمیعی، ۱۳۸۷: ۸۷).

بدین ترتیب می‌توان گفت که، در جوامع امروزی اعتماد و نهادها دوام و قوام‌دهنده یکدیگر هستند. نهادهای مدنی زمانی می‌توانند ایجاد شوند، که فعال و اثرگذار باشند و پشتوانه‌ای از اعتماد را در پی خود داشته باشند. اعتماد نیز به خودی خود حاصل نمی‌شود مگر این که نهادها، ارزش‌ها و هنجارهایی بیافرینند که برای افراد معنادار باشد و بتوانند

چارچوبی از رویه‌ها و قواعد ایجاد کنند که نیازهای گوناگون را برطرف کنند. اگر ارتباط متقابل و پیوسته‌ای میان اعتماد و نهادهای مدنی برقرار باشد، سرمایه‌ای را ایجاد خواهند کرد که بر همکاری و مشارکت روز افزون میان مردم منجر خواهد شد (زارعی، ۱۳۸۷: ۷۴).

فرضیات

پژوهش حاضر دارای یک فرضیه اصلی، است که این فرضیه اصلی دربرگیرنده چند فرضیه فرعی دیگر است.

۱- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی

- بین اعتماد بین فردی و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد به محیط و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- میزان مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت متفاوت است.
- میزان مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است.
- میزان مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال متفاوت است.
- میزان مشارکت اجتماعی بر حسب رشته تحصیلی متفاوت است.

روش تحقیق

در این تحقیق به لحاظ مفهومی از روش مطالعه اسنادی و از حیث تجربی برای بررسی متغیرها، و آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخت که ابتدا پرسشنامه تحقیق پیش‌آزمون^۱ قرار گیرد و پس از آن با

1- pre-test

استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی پرسش‌های چندگزینه‌ای و نیز پرسش‌هایی که در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند، همچنین با استفاده از نظرهای استادان و متخصصان علوم اجتماعی، این پرسشنامه اعتبارسنجی شده است (اعتبار صوری) که پس از اصلاحات لازم آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر کدام از متغیرها بیشتر از ۰/۷۰ بوده است (جدول شماره ۱) پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات به کمک نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانشجویان دانشگاه یزد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که تعداد کل آن‌ها ۹۹۶۵ نفر بوده است. برای برآورد حجم نمونه، ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام گردید تا پراکندگی صفت مورد مطالعه مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران^۱ با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۰/۰۵، حجم نمونه ۱۳۴ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، تصادفی ساده بوده است و واحد تحلیل و نیز واحد مشاهده فرد است.

$$n = \frac{N t^2 pq}{N d^2 + t^2 pq} = \frac{9965 (1/96)^2 (0.1)(0.9)}{9965 (0/05)(0.1)(0.9)} = 134$$

در این فرمول (فرمول نمونه‌گیری کوکران) هر یک از علائم بیانگر مقادیر هستند:

=n حجم جمعیت آماری

=t سطح اطمینان قابل قبول

=p نسبتی از جمعیت دارای صفت معین

=q نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

=d دقت احتمالی مطلوب

قابل ذکر است که سه عدد از پرسشنامه‌ها به دلیل ناقص بودن اطلاعات، بررسی نشد.

تعریف نظری و عملیاتی اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دلالت دارند تعریف شده است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۵). در اینجا اعتماد در قالب چهار سنجه (بُعد) اعتماد بین شخصی^۱، اعتماد به محیط^۲، اعتماد نهادی^۳ و اعتماد تعمیم یافته^۴ سنجش شده است.

اعتماد بین فردی (شخصی) به معنای اطمینان و اعتماد دانشجویان نسبت به یکدیگر است، که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) اندازه‌گیری شده است:

۱- دانشجویان تا چه اندازه نسبت به یکدیگر اعتماد دارند.

۲- در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه صداقت و راستگویی وجود دارد.

۳- در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه دورویی و تظاهر وجود دارد.

۴- در محیط‌های دانشجویی تا چه اندازه پای‌بندی به قول و قرار وجود دارد (همان: ۷۶).

اعتماد به محیط بیانگر میزان ریسک‌پذیری و قابل‌اعتماد دانستن محیط زندگی است. برای سنجش این بعد، مسائلی از قبیل ضمانت برای وام، دیگران، برگرداندن کیف پول پیدا شده به صاحب اصلی، افزایش دورویی و ریا در جامعه، وسواس در انتخاب دوست و عدم اعتماد به قول دیگران، در طیف پنج درجه‌ای لیکرت از پاسخ‌گو پرسیده شد.

اعتماد نهادی، نشان‌دهنده میزان اعتماد به نهادها و مسئولان اداره کشور است، که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) اندازه‌گیری شده است:

به چه میزانی مسئولان دانشگاه برای پذیرش سوالات و پیشنهادهای جدید آمادگی دارند؟

1- Interpersonal trust

2- Environment trust

3- Institutional trust

4- Generalized trust

- ۱- مسئولان دانشگاه تا چه اندازه قابل اعتماد هستند؟
- ۲- مسئولان دانشگاه تا چه اندازه از صداقت و تعهد برخوردارند؟
- ۳- مسئولان دانشگاه تا چه اندازه با دانشجویان روراست هستند؟
- ۴- دانشجویان تا چه اندازه در محیط‌های دانشگاه احساس امنیت می‌کنند؟ (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴).

اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸). برای سنجش این بعد، از پاسخگو بر روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵)، پرسیده شد که شما هر کدام از افراد یا گروه‌های مختلف نظیر: معلمان، استادان دانشگاه، روحانیون، پلیس، پزشکان، پرستاران، کارگران، راننده تاکسی، همسایگان، کسبه، بازاریان، بنگاهداران را تا چه حد قابل اعتماد می‌دانید؟

مجموع امتیاز پاسخ‌گو از گویه‌های مختلف بیانگر میزان اعتماد اجتماعی وی است.

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که به سهیم شدن در منابع قدرت منجر می‌گردد، تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند (سفیری و همکاران، ۱۳۸۸). برای سنجش مشارکت اجتماعی از یک مقیاس ۱۱ گویه‌ای در قالب چهار سنججه که بر روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) درجه‌بندی شده بودند، استفاده شد. این چهار سنججه (بعد) عبارتند از: مشارکت در امور مختلف دانشگاه، مشارکت در تفریحات دسته‌جمعی، مشارکت در امور مذهبی دانشگاه، مشارکت در امور خیریه و مشارکت سازماندهی شده. با جمع کردن نمره‌ها از مجموع چهار سنججه مشارکت اجتماعی، نمره کل مشارکت اجتماعی دانشجو تعیین شده است. یا به عبارت دیگر مجموع امتیاز پاسخ‌گو از این گویه‌ها، نشانگر میزان مشارکت اجتماعی وی خواهد بود.

متغیرهای زمینه‌ای: شامل جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و رشته تحصیلی دانشجویان که جزو عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد برای سنجش پایایی متغیرها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفا برای گویه‌های میزان اعتماد اجتماعی برابر ۰/۸۰ و برای گویه‌های مشارکت اجتماعی ۰/۷۴، بوده است که با توجه به این که میزان آلفا در همه موارد از ۰/۷۰ بیشتر است نشان از همبستگی درونی بالای گویه‌ها و مطلوب بودن پایایی ابزار تحقیق دارد.

جدول (۱) ابعاد و شاخص‌های اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی

میزان آلفای کرونباخ	تعداد گویه		
۰/۷۰	۴	اعتماد بین‌شخصی	اعتماد اجتماعی
۰/۷۰	۶	اعتماد به محیط	
۰/۸۳	۵	اعتماد نهادی	
۰/۷۹	۱۲	اعتماد تعمیم‌یافته	
۰/۷۴	۲	مشارکت در امور مختلف دانشگاه	مشارکت اجتماعی
	۲	مشارکت در تفریحات دسته‌جمعی	
	۳	مشارکت در امور مذهبی دانشگاه	
	۲	مشارکت در امور خیریه	
	۲	مشارکت سازماندهی شده	

یافته‌های تحقیق

از مجموع ۱۳۱ پاسخ‌گوی این تحقیق، ۴۳/۵ درصد را مردان و ۵۶/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۸ تا ۳۰ سال بوده است. ۸۴/۲ درصد افراد مذکور مجرد و مابقی (۱۷/۶ درصد) متأهل بوده‌اند. ۲۲/۱ درصد از پاسخگویان تحقیق، شاغل و ۷۷/۹ درصد غیرشاغل بوده‌اند. ۲۹ درصد از پاسخگویان در رشته تحصیلی علوم انسانی، ۲۱ درصد در علوم پایه، ۳۲/۱ درصد در رشته فنی و مهندسی و ۲۲/۹ درصد در رشته تحصیلی

هنر و معماری قرار داشتند. همچنین میانگین میزان اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان برابر با ۴۱/۶۲ و میانگین میزان مشارکت اجتماعی نیز برابر با ۶۲/۲۱ از ۱۰۰ است. بنابراین می‌توان گفت که میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان پایین‌تر از حد متوسط و میزان مشارکت اجتماعی‌شان بالاتر از حد متوسط است.

جدول (۲) عداد پاسخگویان بر حسب رشته و مقطع تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد	کارشناسی	درصد	کارشناسی ارشد	درصد
علوم انسانی	۳۸	۲۹٪	۲۲	۱۶/۷۹	۱۶	۱۲/۲۱
علوم پایه	۲۱	۱۶٪	۱۰	۷/۶	۱۱	۸/۳۹
فنی مهندسی	۴۲	۳۲/۱٪	۲۳	۱۷/۵۵	۱۹	۱۴/۵
هنر معماری	۳۰	۲۲/۹٪	۱۸	۱۳/۷۴	۱۲	۹/۱۶
کل	۱۳۱	۱۰۰	۷۳	۵۵/۷	۵۸	۴۴/۳٪

جدول (۳) خروجی آزمون *T* جهت مقایسه میزان مشارکت اجتماعی در گروه‌های مختلف

متغیر	مقولات	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنی‌داری
جنسیت	مرد	۳۸/۹۴	۶/۲۷	/۹۵۴	۰/۳۴۲
	زن	۳۷/۹۳	۴/۸۵		
وضعیت تأهل	مجرد	۳۸/۳۵	۶/۲۷	-۰/۹۱	۰/۹۲۸
	متأهل	۳۸/۴۷	۴/۸۵		
وضعیت اشتغال	شاغل	۳۷/۷۲	۶/۱۹	۰/۶۵۶	۰/۵۱۳
	غیرشاغل	۳۸/۵۵	۵/۴۸		

براساس اطلاعات جدول شماره (۳)، میانگین میزان مشارکت اجتماعی پسران (۳۹/۹۴) تفاوت معنی‌داری (Sig=۰/۳۴۲) با میانگین میزان اعتماد اجتماعی دختران (۳۷/۹۳) ندارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که در میانگین مشارکت اجتماعی افراد متأهل (۳۸/۴۷) با میانگین میزان مشارکت اجتماعی افراد مجرد (۳۸/۳۵) تفاوت معنی‌داری (Sig=۰/۹۲۸) ندارد. از طرفی چون سطح معنی‌داری آزمون *t* جهت مقایسه میزان مشارکت اجتماعی افراد

شاغل و غیرشاغل، بیش از ۰/۰۵ ($Sig=۰/۵۱۳$) شده است. لذا بین میزان مشارکت اجتماعی افراد شاغل و غیرشاغل نیز تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (۴) خروجی آزمون، تحلیل واریانس (F) مشارکت اجتماعی بین رشته‌های تحصیلی مختلف

متغیر	سطوح هر متغیر	میانگین	میانگین بین گروهی	میانگین درون گروهی	F	سطح معنی‌داری
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۳۹/۸۴	۲۷۳/۴۹	۴۴۶۱/۱۸۱	۲/۵۹	۰/۰۵
	علوم پایه	۳۸/۹۵				
	فنی مهندسی	۳۸/۵۲				
	هنر و معماری	۳۵/۹				

خروجی آزمون تحلیل واریانس جهت مقایسه میزان مشارکت اجتماعی بین رشته‌های مختلف، بیانگر این است که تفاوت معنی‌داری ($Sig=۰/۰۵$) بین آنها وجود دارد. بنابراین فرض عدم وجود تفاوت بین رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی و معماری از نظر مشارکت اجتماعی پذیرفته نمی‌شود و فرض مخالف پذیرفته می‌شود، یعنی بین میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان بر حسب رشته تحصیلی آنها، تفاوت وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر حداقل میزان مشارکت اجتماعی یکی از گروه‌ها (رشته تحصیلی) با بقیه تفاوت معناداری دارد. ولی براساس این خروجی قضاوت بیشتری نمی‌توان انجام داد؛ لذا از پس‌آزمون توکی^۱ برای نشان دادن تفاوت بین گروه‌ها استفاده شد؛ آزمون تعقیبی توکی مشخص می‌کند که کدام یک از گروه‌ها با بقیه متفاوت است. خروجی جدول ۵ در واقع نتیجه آزمون تعقیبی توکی را نشان می‌دهد. در این میان بالاترین میانگین مشارکت اجتماعی به رشته علوم انسانی و پایین‌ترین میانگین مشارکت اجتماعی به رشته هنر و معماری متعلق است.

1- Tukey

جدول (۵) خروجی پس آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه زوجی میانگین مشارکت اجتماعی در رشته‌های تحصیلی متفاوت

تفاوت میانگین (I-J)	خطای معیار (S.E)	سطح معناداری (sig.)	
۰/۸۸۹	۱/۶۱	۰/۹۴۶	علوم انسانی علوم پایه
۱/۳۱	۱/۳۲	۰/۷۵۳	فنی و مهندسی
۳/۹۴۲۱۱*	۱/۴۴	۰/۰۳۷	هنر و معماری
-۰/۸۸۹	۱/۶۱	۰/۹۴۶	علوم پایه علوم انسانی
۰/۴۲۸	۱/۵۸	۰/۹۹۳	فنی و مهندسی
۳/۰۵	۱/۶۸	۰/۲۷۳	هنر و معماری
-۱/۳۱	۱/۳۲	۰/۷۵۳	فنی و مهندسی علوم انسانی
-۰/۴۲۸	۱/۵۸	۰/۹۹۳	علوم پایه
۲/۶۲	۱/۴۱	۰/۲۵۴	هنر و معماری
-۳/۹۴۲۱۱*	۱/۴۴	۰/۰۳۷	هنر و معماری علوم انسانی
-۳/۰۵۲	۱/۶۸	۰/۲۷۳	علوم پایه
-۲/۶۲	۱/۴۱	۰/۲۵۴	فنی و مهندسی

*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

همان‌طور که از نتایج جدول ۵ برمی‌آید، سطح معناداری نشان می‌دهد که اختلاف میانگین مشارکت اجتماعی رشته‌های تحصیلی علوم انسانی و هنر و معماری معنادار بوده است (sig=۰/۰۳۷). ولی سطرهای بعدی این اختلاف معنادار را بین میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب رشته‌های تحصیلی نشان نمی‌دهد.

برای بررسی رابطه میزان مشارکت اجتماعی با ابعاد مختلف میزان اعتماد اجتماعی با توجه به این‌که همه متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۷ منعکس شده است.

جدول (۶) خروجی آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و متغیرهای مختلف

سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	بعد
۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	سن
۰/۲۳۳	۰/۱۰۵	اعتماد بین شخصی
۰/۰۰۸	۰/۲۳۲	اعتماد به محیط
۰/۸۵۱	-۰/۰۱۷	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۳۵۸	اعتماد تعمیم یافته

براساس اطلاعات جدول ۶، بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین میزان مشارکت اجتماعی با دو بعد از چهار بعد اعتماد (اعتماد به محیط و اعتماد تعمیم‌یافته) و سن دانشجویان رابطه معناداری دارد. اما مشارکت اجتماعی با دو بُعد از چهار بُعد دیگر اعتماد (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) رابطه معنی‌داری ندارد.

به منظور تبیین متغیر وابسته براساس این متغیرها از رگرسیون چندمتغیره گام به گام^۱ استفاده شده است. در مجموع از ۵ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون، ۳ متغیر در این تحلیل باقی ماندند که ضریب همبستگی آنها با مشارکت اجتماعی برابر $R=0/462$ و ضریب تعیین برابر $0/213$ به دست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که حدود $21/3$ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی توسط متغیرهای موجود در معادله رگرسیونی تبیین می‌شود. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده نیز، خطی و معنادار است، زیرا مقدار آزمون F برای تبیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل برابر $13/644$ با سطح معناداری $p=0/000$ می‌باشد. در جدول زیر ترتیب متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی به همراه ضرایب مربوط و سطح معناداری آن نمایش داده شده است.

جدول (۷) رگرسیون چندگانه تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت اجتماعی

متغیرهای مستقل	بتا	ضریب تعیین	سطح معنی داری
سن	-۰/۲۴	۰/۰۶۷	/۰۰۱
اعتماد تعمیم یافته	۰/۲۶۴	۰/۰۳۱	۰/۰۰۲
اعتماد به محیط	۰/۱۸۲	۰/۰۲	۰/۰۳۰

از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، متغیرهای سن، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به محیط، تأثیر معنی داری بر میزان مشارکت اجتماعی دارند و اعتماد تعمیم یافته با ۰/۲۶ درصد بیشترین سهم را در تبیین میزان مشارکت اجتماعی دارد.

بحث و نتیجه گیری

اعتماد اجتماعی به عنوان عنصر ضروری در روابط اجتماعی، قدرت عمل کردن را تسهیل می کند و بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد. مفهوم اعتماد اجتماعی در اندیشه صاحب نظران سرمایه اجتماعی به عنوان مهم ترین جنبه آن مورد توجه قرار گرفته است که به فضای عمومی طراوت و بالندگی ویژه ای می بخشد و جانمایه موثری برای کنش های جمعی چون تعاون و مشارکت اجتماعی است. البته این تأثیر بخشی، صورتی یک جانبه ندارد، بلکه حالتی چندجانبه و متعامل دارد و نوعی رابطه تعاملی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که هر یک مقوم دیگری است و برآیند این رابطه متعامل، گسترش فضای عمومی است که با تنوع نهادهای مشارکتی و جمعی شناخته می شود (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۲۸). این تحقیق به بررسی تأثیر ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، از یک نمونه ۱۳۴ نفری دانشجویان دانشگاه دولتی شهر یزد می پردازد. یافته ها نشان می دهد که میزان مشارکت اجتماعی با متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال دانشجویان تفاوت معنی داری ندارند. این نتایج با نتیجه تحقیق انعام (۱۳۸۱)؛ قریشی و صداقت (۱۳۸۸) همخوانی ندارد؛ زیرا آنان بین برخی از متغیرهای دموگرافیکی مانند جنس و... با مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری یافته اند. در تبیین این مطلب می توان گفت که در این تحقیق چون جامعه آماری دانشجویان بوده و تا حدودی از نظر برخی از مؤلفه مانند تحصیلات، پیش و آگاهی همگن هستند به همین علت

در مؤلفه اعتماد اجتماعی و مشارکت با توجه به متغیرهای دموگرافیکی تفاوت معنی‌داری را دیده نمی‌شود.

در این تحقیق رابطه بین اعتماد نهادی و اعتماد شخصی با مشارکت اجتماعی معنی‌دار نشده است. که با تحقیق از کیا و غفاری ۱۳۸۰ در بین روستاییان شهر کاشان همچنین دهقان و غفاری ۱۳۸۴ در بین دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران ناهم‌سوست. به نظر می‌رسد این ناهمخوانی به شرایط زمانی انجام تحقیق فوق مربوط باشد. با توجه به اینکه این تحقیق بعد از حوادث انتخابات در بین دانشجویان انجام شده است و چون قشر دانشجویی در این میان، نسبت به قشرهای دیگر جامعه، بیشتر درگیر مسائل پس از انتخابات بوده لذا ممکن است در پاسخگویی به سوالات با یک حساسیت خاصی گویه‌های مربوط به اعتماد نهادی و اعتماد بین‌شخصی را پاسخ داده باشند که این نتیجه حاصل شده است.

اما بین مشارکت اجتماعی با دو بعد دیگر اعتماد اجتماعی (اعتماد به محیط و اعتماد تعمیم یافته) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و هر اندازه که اعتماد اجتماعی در این دو بعد زیادتر می‌شود مشارکت اجتماعی هم افزایش می‌یابد. در نهایت در این تحقیق بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و هر اندازه که اعتماد اجتماعی بیشتر باشد مشارکت اجتماعی هم بیشتر همسو است. این نتیجه با تحقیق از کیا و غفاری ۱۳۸۰؛ سیپیل (۲۰۰۶)؛ رایستر (۲۰۰۱)؛ اتکینسون و میکلا رایت (۱۹۹۲)؛ ناک و کیف (۱۹۹۷)؛ علی پور و همکاران (۱۳۸۸)؛ از کیا و حسنی راد (۱۳۸۸)؛ سفیری و همکاران (۱۳۸۸)؛ قریشی و صداقت (۱۳۸۸) و انعام (۱۳۸۱) همسو است. همچنین نتایج این تحقیق با نظریه پاتنام، کلمن و فوکویاما نیز همسو است که معتقد هستند: «هر اندازه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد مشارکت هم بیشتر است؛ بدین دلیل ضرورت دارد که مسئولان امر، تدابیر مؤثرتری برای افزایش اعتماد اجتماعی و در نتیجه مشارکت اجتماعی دانشجویان تدابیر مؤثرتری بیندیشند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، *مجله علمی پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، صص ۳۱-۳.
- ازکیا، مصطفی و حسنی‌راد، کریم (۱۳۸۸) نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره اول، صص ۲۷-۷.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰) اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۸: صص ۴۲-۱۰.
- ۴- انعام، راحله (۱۳۸۱) *بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاهای نمونه شهرستان شهریار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- بالاخانی، قادر (۱۳۸۴) *بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر میزان اعتماد اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.
- بهزاد، داوود (۱۳۸۲) *بررسی ارتباط بین اجزاء، سطوح و ابعاد ساختار اعتماد اجتماعی در بین خانوارهای ساکن شهرستان سنندج در سال ۱۳۸۱*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- حیدری، ابوالقاسم (۱۳۸۹) *اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران)*، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال اول، پیش شماره اول، صص ۶۶-۳۹.
- دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴) *تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱، صص ۶۷-۹۸.

- زارعی، ایوب (۱۳۸۷) اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی، *پژوهش‌نامه اعتماد/اجتماعی*، تهران، انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام صص ۸۳-۶۰.
- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷) تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، *پژوهش‌نامه اعتماد/اجتماعی*، تهران، انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام صص ۵۹-۳.
- سفیری، خدیجه و همکاران (۱۳۸۸) مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۲، صص ۳۴-۱.
- سمیعی، زهره (۱۳۸۷) اعتماد اجتماعی و خانواده، *پژوهش‌نامه اعتماد/اجتماعی*، تهران، انتشارات مرکز راهبردی تشخیص مصلحت نظام صص ۱۰۲-۸۵.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۰) *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- علی‌پور، پروین و همکاران (۱۳۸۸) اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۵.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) *پایان نظم، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- قریشی، فخرالسادات و صداقت، کامران (۱۳۸۸) بررسی نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی مرتبط بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی شهروندان تبریز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۴، صص ۱۰۲-۷۵.
- کلته، ابراهیم (۱۳۸۱) فرهنگ یادگیری و مشارکت در میان ترکمن‌ها، *مجموعه مقالات مردم و همگرایی*، صص ۲۶۲-۲۵۵، تهران: نشر آن.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۴) نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، *مجموعه مقالات*، تهران: نشر شیرازه.

- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵) مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۶۷-۹۲.

- Atkinson A. and J. Micklewright (1992), "Economic Transformation in Eastern Europe and the Distribution of Income", Cambridge: Cambridge University Press.
- Cook, K.S. (2001), "Trust in Society", New York: Russell Sage.
- Costa D.L. & M. E.kahn (2001), "Understanding the Decline in Social Capital", NBER Working Paper n8295, May.
- Gambetta, D. (2000). "Can We Trust Trust?", in Gambetta, Diego (ed.) *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Electronic Edition, Department of Sociology, University of Oxford, Chapter 13: 213-237, <http://www.sociology.ox.ac.uk/papers>.
- Giddens, A. (1992). "The Consequences of Modernity", Cambridge Polity Press.
- Knack, S. & P. Keefer (1997), Dose Social Capital Have an Economic Payoff? *Quarterly Journal of Economic*, 112: 1251-1288.
- Putnam, R and K. Goss (2002), "Introduction, In R. Putnam (Ed.). *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*: 3-21. New York: Oxford Press.
- Raiser, M., C. Haerpfer, T. Nowtny and C. Wallac (2001), "Social Capital in Transition: A First Look at the Evidence", Working Paper No. 61, *European Bank for Reconstruction and Development*.
- Seippel. O. (2006), "Sport and Social Capital", *Acta Sociological*, Vol. 49, No. 2, PP: 169-183.
- Shah, D.V. (1998), Civic Engagement, Interpersonal Trust, and Television Use: An Individual-Level Assessment of Social Capital, *Political Psychology*, Volume 19 (3): 469-496 (28).